

هُوَالله-ای یاران عبدالبهاء. جناب آقا میرزا عبدالْحسین...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



هُوَالله

ای یاران عبدالبهاء. جناب آقا میرزا عبدالْحسین نامه نگاشته و ذکر آن یاران روحانی نموده که الحمدلله منجذب
نفحاتند و منادی حق در آنصفحات سرج موقده اند و مشتعل بنار الله الموصده. کتاب تکوین را آیات توحیدند و
لوح محفوظ امکان ورق منشور اکوان را کلمات تقدیس و حروف تهلیل و تکبیر بحق ناطقند و بر عهد ثابت و
بخدمت قائم و بهدایت خلق مشغول و بنفحات قدس مألوف و بذکر الهی مأنوس با یار و اغیار مهربانند و با آشنا
و بیگانه دوست از دل و جان این است شیم بهائیان. این است صفت روحانیان و این است کنز بی پایان و
اینست روح الهی در جسد امکان الحمدلله این دور دور حبّ است و ولاء و کور الفت است و وفاء قرن انوار
است و یوم ظهور اسرار روز مجلی طور است و دور کأس مزاجها کافور طلوع شمس حقیقت است و عصر نور
احدیت دشمنان دوستند و بیگانگان آشنا. اغیار یارند و اعدا در شمار احبّاء.

مقصد این است که احبّای الهی باید بد خواه راخیر خواه دانند و اهل شقاق را اهل وفاق شمرند. بعید را قریب
بینند و دور را نزدیک شمرند. یعنی بدشمن نوعی رفتار کنند که سزاوار دوستان است. بجفاکار چنان معامله
نمایند که لایق یار خوشرفتار نظر بذنوب و قصور و عداوت و ظلم و ستم اعدا نکنند بلکه باین نظر نظر نمایند که
جمال مبارک بشر را عباد جلیل اکبر فرموده و خلق را مسبوق برحمت بیان نموده و کل را بحبّت و الفت و
یگانگی و فرزانیگی و وفا و مهربانی بعموم نوع انسانی امر فرموده و بقیدی مقید ندانسته. پس باید نظر را پاک نمود



ORIGINAL



AUDIO

و بحدود و شئون خلق نظر نداشت خلق را خواه مطیع و خواه عاصی عباد حق شمرد و بشر را خواه ناس و خواه نسناس مخلوق حق دانست و باین نظر با کل رفتار و معامله نمود.

ای یاران الهی بکمال نشاط و انبساط عالم انسانی را خدمت نمائید و بنوع بشر محبت نمائید. نظر بحدودی نکنید و ممنوع بقیودی نشوید زیرا حدود و قیود در ظهور کمالات انسانی حجاب ظلمانی گردد و آزادی سبب ظهور موهبت الهی شود. آتی سکون نیاید و دقیقه قرار مجوئید و دمی نیاسائید. مانند دریا پر جوش گردید و بمثابه نهنگ بحر بقا بخروش آئید. صمت و سکون و قرار و سکوت شأن اموات است نه احیاء و از خصائص جماد است نه طیور گلشن ملاء اعلی. عنقریب این بساط حیات منطوی شود و این لذائذ و نعمتا منتهی گردد از برای نفوس یأس حاصل شود و هر مقصد و آرزوی باطل گردد پس تا جان در جسد است باید حرکتی نمود و همتی کرد و بنیانی بنیاد نهاد که قرون و اعصار فتور بارکان نرساند و احقاب و ادهار سبب انهدام نشود ابدی باشد و سرمدی تا سلطنت جان و وجدان در دو جهان ثابت و بر قرار گردد این است وصیت عبدالبهاء و این است نصیحت این مرغ پر شکسته و بال. ع ع

